

پیرامون بولتن بحث

با انتشار "سوسیالیزم و انقلاب" بعنوان نخستین بولتن بحث سوسیالیستهای انقلابی، برای بسیاری از خوا - نندگان این سؤال طرح شد که : سوسیالیستهای انقلابی که ها هستند و بر سر چه مسائلی بحث میکنند؟ این سؤال و ابهام به این خاطر وجود آمد که این نشریه در این باره ها حرفی نزنده بود. (نه پلاتفرم تشکیل خود را ارائه کرده بود و نه هویت روشنی داشت)

در گفتگو با رفقای هیئت تحریریه "بولتن خواستم که این موضوع را روشن کنند. هر چند قرار شد در نشریه شماره ۲ مسئله توسط رفقا توضیح داده شود، اما در ادامه صحبت‌ها معلوم شد که نه مسئله پلاتفرم و نه مسئله هویت هیچکدام چیزی نبوده که آنرا از قلم انداخته باشند. یا سهوی پیش آمده باشد. (همین را توضیح خواهند داد.) و بالاخره دریافتیم که اساساً دو نقطه نظر متفاوت از وضعیت کنونی خود و مرحله حاضر داریم. در نتیجه نظراتمان هم درباره ضرورت و اهداف بولتن تفاوت دارد. بهمین خاطر طرح نکاتی پیرامون اهداف بولتن، ضروری احساس شد :

تعیین مضمون فعالیت و لاجرم ضرورت و اهداف نشریه، بستگی مستقیم به ارزیابی ما از وضعیت مشخص جنبش و نیازهای مبرم و حیاتی آن دارد. بنابراین محوریم برای ترسیم وضعیت و نشان دادن ضرورت مزبور، بسه واقعیاتی اشاره کنیم که درباره اش همه و چه بسیار، گفته اند!

این واقعیات چیست؟

بحرات میتوان گفت که هم اکنون بیش از هر زمان دیگری تشقت و پراکندگی بر جنبش ما حاکم است. بی "برنامه" گمی و دنباله روی سازمان‌ها و گروه‌ها، طی یک پروسه طولانی، همراه با فرقه‌گرائی‌ها و بی مسئولیتی‌های این جریان‌ها، بی اعتمادی شدید و کم سابقه‌ای را بین نیروهای جنبش کمونیستی پدید آورده است. این تشقت و پراکندگی بحدی است که هیچیک از گروه‌بندیهای مدعی مارکسیزم - لنینیزم نتوانسته‌اند هسته "پروپاقرمی" از ثابت قدم‌ترین نیروهای انقلابی م.ل را حول نظرات خود متشکل کنند. روند تلاشی و اضمحلال گروه‌بندی‌های سنتی و مبتنی بر نظریه‌های التقاطی، سرعت بی سابقه‌ای یافته است. با فروپاشی جریان‌ها و سنتریستی، نیروهای جدی و آنها که هنوز حساسیت انقلابی خویش را از دست نداده‌اند، به هواداری از انقلاب، ترازنامه "شکست" را ارزیابی میکنند و بتدریج درس میگیرند، از گروه‌بندیهای سنتی می‌برند، با طرد فرقه‌گرائی‌ها و بینش پوپولیستی از دموکراسی خرده بورژوازی بسه مارکسیزم انقلابی روی می‌آورند. ویژگی و خصیصه بارز دوران کنونی، همانا شکل‌گیری گرایش سوسیالیزم

انقلابی (مارکسیزم انقلابی) و انتقال تدریجی نیرو به این گرایش است. گرایش مارکسیزم انقلابی عبارتست از: نقد ترازنامه "شکست" و رویکرد به راه حلال پرولتاری.

بدیهی است که این گرایش در مقطع کنونی نمیتواند به کلیه مسائل انقلاب و ضد انقلاب پاسخ داده، استرا - تژی و برنامه (تئوری) پرولتاریا را در انقلاب، ارائه نماید.

باعتماد ما مشخصه اصلی گرایش سوسیالیزم انقلابی (مارکسیزم انقلابی) در پیش رو قرار دادن دو وظیفه - اساسی با زتاب می‌یابد. یکی: چرخش به جنبش کارگری - سازماندهی لایه آگاه و مبارز کارگران پیشرو. دیگری: بذل توجه جدی و غیر فرقه‌گرایانه به امر تدوین استراتژی انقلابی و برنامه (تئوری) - از طریق فعالیت مشترک و مبارزه اصولی سوسیالیستهای انقلابی، حول مسائل اساسی انقلاب و ارائه نتایج آن در بولتن بحث.

این دو وظیفه را باختصار توضیح میدهم :

۱ - توجه جدی به نقش و اهمیت سازماندهی پرولتاریای دارای آگاهی طبقاتی و ترویج ایده‌های سوسیالیستی در میان پیشگام کارگری، اگرچه عامل اصلی در چرخش به جنبش کارگری به حساب می‌آید و میبایست آنرا همواره محور اساسی فعالیت کلیه م.ل‌ها تلقی کرد، اما تاکید ما در شرایط کنونی از این روست که عدم درک این وظیفه مستقیماً "بمعنی ترک موضع انقلابی و همراهی با گرایش‌هایی است که در راستای تقویت آلترناتیوهای بورژوازی گام برمیدارند. (باعتماد ما اهمیت این وظیفه را میتوان با نقشی که مبارزه مسلحانه میتوانست در مقطع سال ۳۲ ایفا کند، مقایسه کرد.)

علاوه بر این، با توجه به مجموعه موانع ذهنی موجود در راه وحدت م.ل‌ها، درگیری و مداخله در جنبش کارگری سنگ محک، و یگانه راه عملی تصحیح و تنظیم مناسبات بین جریان‌ها م.ل خواهد بود.

۲ - برای آنهاست که معتقدند مهمترین عامل در هرز رفتن نیروی انقلابی جنبش و تشقت موجود، فقدان "برنامه" و استراتژی انقلابی بوده است و همچنین میپذیرند که دستیابی بدان مستلزم کار وسیع و همه جانبه‌ای (در زمینه‌های اقتصادی - سیاسی و ...) می - باشد و از طرفی اذعان دارند که هیچیک از گروه‌ها و جریان‌ها موجود، در گذشته بهر دلیل نکرده‌اند و امروز به تنهایی توان انجام چنین تحلیلی و بررسی‌هایی را ندارند، نمیتوانند شناخت و تجربه محدود خویش را بعنوان "برنامه" ارائه دهند و بهمین سبب، خود را محور تشکیل حزب کمونیست قلمداد نمی -

بند . (البته جنبش کمونیستی به کلیه کوشش‌های انجام شده و به تجربه و دست‌آوردهای گروهها و سازمان ها ارج لازم را خواهد گذاشت .)

بنابراین کلیه م.ل‌های انقلابی که تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را از مهمترین وظایف مبرم خود تلقی میکنند و در همین رابطه ضرورت تدوین برنامه را حیاتی میدانند ، موظفند که با واقع بینی و بدون ازتنگ نظریه‌های فرقه‌گرایانه ، ضمن ادامه و تاکید بر فعالیتهای مستقل خویش ، سیاستی را در پیش بگیرند که همه تلاش‌ها و دست‌آوردهای گرایش سوسیالیست-انقلابی را در راستای معینی (یعنی تدارک برای تشکیل حزب) کانالیزه کرده و بکارگیری کلیه مغزها و دست‌های سوسیالیستهای انقلابی ، موجدتدقیق ، تصحیح و تکامل این گرایش در جنبش کمونیستی و تقویت آن در جنبش کارگری کردند . بدون اتخاذ چنین سیاستی جنبش راه خود را از میان بیخ و خم‌های بازهم هرچه بیشتری خواهد یافت .

رفقا! این مسائل و معضلات (فقدان " برنامه " و لاجرم آنچه که امروز شاهد آنیم) از مدت‌ها پیش برای بسیاری از ما قابل رویت و پیش‌بینی بود ، حتی پیش از انشعاب " اقلیت " طرح و پیشنهاداتی مبنی بر ضرورت مبارزه آیدئولوژیک علنی حول مسائل اساسی و مبرم و تخصیص ارگانی برای پلیمیک‌های رفیقانه ، ارائه شد ، اما پیش از انشعاب بدلیل تسلط اپورتونیسیم بر سازمان و پس از انشعاب بدلیل تسلط سکتاریزم و تنگنظری بر تشکیلات " اقلیت " ، به این ضرورت حیاتی پاسخ داده نشد تنها برای ارضاء خاطر و جلب نیرو ، شعارهایی داده شد ، ولی مثل بسیاری مسائل دیگر ، یک گام عملی هم در راهش برنداشتیم .

بهر رو! لاقبل به تجربه در یافتیم که آگاهی به ضرورت ، فی‌نفسه در ضرورت تغییری ایجاد نمیکند ، اگرچه پاسخ ندادن به آن ، سازمان‌ها و گروه‌های بسیاری را متلاشی کرد و عملاً جنبش انقلابی میهنمان را به شکست و ناکامی کشاند . (سوسیالیستهای انقلابی ، باید بهتر از همه درس بگیرند .)

الغرض: " سوسیالیزم و انقلاب " باید همان‌طور که از نامش پیداست " بولتن بحث سوسیالیستهای انقلابی " باشد . (سوسیالیستهای انقلابی بانقد ترا نامه شکست - برش از دموکراسی خرده‌بورژوازی و رویکرد به جنبش کارگری و پاسخ به مسائل آن ، مشخص میشوند .) ایسن بولتن حول اساسی‌ترین مسائل انقلاب ایران و درجهت توضیح ، تصحیح و تکامل نقطه نظرات گرایش سوسیالیزم انقلابی ، بحث میکند . محور فعالیت این بولتن کار ترویجی و توضیحی خواهد بود . هدف فوری و بلاواسطه‌اش نمیتواند تشکیل حزب طبقه کارگر باشد ، بلکه با کار خود در قدم اول هسته پروپاقرصی از سوسیالیستهای انقلابی مجرب و آگاه را گرد می‌آورد و همراه با تقویت این گرایش در جنبش کارگری ، در راستای تشکیل گروه - بندی جدید (یا حزب طبقه کارگر) گام برمیدارد . به

عبارتی ، " سوسیالیزم و انقلاب " باید در خدمت تدارک برای تشکیل ، حزب طبقه کارگر قرار بگیرد .

* * *

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم ، رفقای هیئت تحریریه ، " ایسکرا " را الگوی خود قرار داده‌اند . برآستی اگر رفقا " بولتن بحث سوسیالیستهای انقلابی " را با ایسکرا مقایسه میکنند ، می‌باید پیرامون شرایط تکوین ایسکرا و نقش آن نیز توضیح دهند . خصوصیات " ایسکرا " چه بود و در چه دورانی پدید آمد؟

هنگامیکه سوسیال دموکراسی روسیه از یک برنامه انقلابی (تئوریک و عملی) برخوردار بود ، هنگامیکه این برنامه در یک رشته مبارزات بی‌امان علیه گرایشات لیبرالی و خرده‌بورژوازی شکل مشخص و صریحی بخود گرفته بود . هنگامیکه محفل‌های کارگری در روسیه ابعاد وسیعی بخود گرفته بودند و ایجاد حزب طبقه کارگر بطور فوری در دستور کار محفل‌های سوسیال دموکرات قرار گرفته بود . در واقع ایسکرا شاخص معینی از تحول رشد سوسیال دموکراسی بدست میدهد . ایسکرا دوران حزبیت و دوران محفلی را از یکدیگر متمایز می‌نماید . وحدتی که در کنگره اول سوسیال دموکرات‌های روسیه در اواخر دهه نود قرن نوزدهم بدست آمده بود ، همچنان در سطح حرف‌باقی مانده ، اجرای عملی آن وظیفه مبرم روز بود . ایسکرا ، محفل‌ها را بطور عملی ملفی کرد و حزب پرولتری را تحکیم نمود . ایسکرا بطور عملی اتحاد سوسیال دموکرات‌ها را فراهم نمود و از خرده کاری و پراکندگی ممانعت بعمل آورد . ایسکرا راستی ریسمانی بود که بنای حزب به کمک آن میسر گردید ایسکرا محصول دوران انتقال از نارودنیسم به مارکسیزم نبود ، ایسکرا محصول دوران انتقال از تاکتیک‌های تروریستی و تبلیغ در میان دهقانان به استقرار در جنبش کارگری نبود ، ایسکرا ناظر بر مرحله دیگری از توسعه جنبش سوسیال دموکراتیک روسیه بود . دوران ایسکرا دوران بسط و توسعه محفل‌های کارگری به حزب طبقه کارگر بود . بدین لحاظ ایسکرا قادر بود نقش " مروج ، مبلغ و سازمانده دستجمعی " را ایفا کند .

در جنبش کمونیستی ما ، همه به ضرورت وجود ارگانی " مبلغ ، مروج و سازمانده دستجمعی " (ایسکرا) بخوبی واقف‌اند و به روشنی نقش و اهمیت آن را میدانند . اما آنچه ناروشن است ، شرایط تکوین آن است یعنی ندیدن گام‌هایی که بطور عملی برای ایجاد ایسکرا برداشته شد . کسی که نشریه سوسیالیزم و انقلاب را با ایسکرا مقایسه میکند ، حداقل درباره دو موضوع سکوت می‌نماید : الف) جنبش کمونیستی ما هنوز مسائل اصلی جنبش کارگری را درک و جذب نکرده و در آن استقرار نیافته است ، ما هنوز در مرحله انتقال از گروه‌بندی‌های سنتی به گروه‌بندی‌های نوین سوسیالیستی هستیم . هنوز بیش از آنکه در جنبش کارگری استقرار یافته

باشیم ، با تجزیه در گروه‌بندی‌های سنتی و گجسری ناشی از آن روبرو هستیم . هنوز به اندازه کافی علیه سوسیالیزم خرده‌بورژوازی مبارزه نکرده‌ایم ، به عبارت دیگر گرایش مارکسیزم انقلابی هنوز به یک جریان مارکسیست‌لنینیستی تبدیل نشده است .

حال آنکه ایسکرا محصول مرحله‌ای است که در آن سوسیال‌دموکراسی از یک برنامه تئوریک و عملی بر خوردار بود و مبارزه همه جانبه وبی‌امانی را علیه جریان‌ات بورژوازی‌لیبرال و خرده‌بورژوازی به پیش برد ه بود . (ب) در حال حاضر گام نخست را برای تدارک حزب طبقه کارگر برمی‌داریم ، یعنی وظیفه محوری ما تدوین تئوری انقلابی و جلب‌لایه پیشگام کارگری به سمت مارکسیزم انقلابی است . حال آنکه ایسکرا محصول دورانی است که در آن محفل‌های سوسیال‌دموکرات شکل گرفته بودند و مضمون فعالیت‌حزبی سوسیال‌دموکراسی با شکل محفلی فعالیت‌آن در تعارض قرار گرفته بود . امر انحلال محافل و تاسیس حزب طبقه کارگر وظیفه فوری سوسیال‌دموکراسی محسوب می‌شد . اگر بخواهیم مطلب را باختصار بازگویند ، باید بگوئیم که ایسکرا بدون کنگره دوم حزب سوسیال‌دموکرات روسیه بی معناست .

رفقا با طرح این مسئله که نشریه " سوسیالیزم و انقلاب " می‌باید بمثابة " ایسکرا " عمل کند ، در واقع دو مسئله را پیش می‌کشند : اولاً " نشریه " سوسیا - لیزم و انقلاب " نقش " مروج ، مبلغ و سازمانده دستجمعی را ایفا میکند این بدین معناست که " سوسیالیزم و انقلاب " قطعاً بولتن بحث نیست . بعلاوه اگر نشریه سوسیالیزم و انقلاب نقش سازمانده دستجمعی را دارد پس گرایش‌ات شرکت‌کننده در این نشریه می‌باید منحل شوند ، تا حول نشریه متحد گردند و سازمان یابند . در شماره اول بولتن ، تنها از یک گرایش بنام گرایش سخن رفته است . سایر نویسندگان بدون اعلام هویت گروه‌بندی خود در نشریه مشارکت نموده‌اند ، بدینجهت سپردن نقش سازمانده دستجمعی به " سوسیالیزم و انقلاب " بمعنای انحلال س . ج . ف . خ . ا . - گرایش سوسیالیزم انقلابی است . همچنین این بمعنای انحلال گروه‌بندی‌ها نیست که حتی از ایشان اسمی برده نشده است . لابد از نظررفقا این اقدام مشابه انحلال محفل‌های سوسیال‌دموکرات روسیه است . اما بررسی دقیق انقلاب روسیه نشان می‌دهد که اگر ایسکرا ، به انحلال محفل‌های سوسیال‌دموکرات دست یازید بخاطر این امر بود که سوسیال‌دموکراسی روسیه را در حزب سوسیال‌دموکرات روسیه متشکل مینماید . حال آنکه اقدام رفقا تنها میتواند ، انحلال چند محفل و گروه باشد ، بی آنکه حزبی را ایجاد کند ، ثانیاً " اگر نشریه " سوسیالیزم و انقلاب ، نقش ایسکرا را ایفا میکند ، پس نباید از گرایش سوسیالیزم انقلابی صحبت کرد ، بلکه باید از جریان سوسیالیزم و انقلاب

سخن گفت ، یعنی جریانی که دارای برنامه تئوریک و عملی مشخصی است و جایگاه خود را در جنبش‌لینن المللی کمونیستی مشخص کرده است . ولی تاکنون ایسکرا " تحول " را ندیده‌ایم و بدان باور نداریم .

بهر رو هنگامیکه رفقا می‌گویند : " خط ما روشن و حرفهایمان صریح است ، هرکس بپذیرد ، در بولتن برویش بازاست " یا همین روحیه ایحاد ایسکرا روبرو هستیم ، اما پیش‌کشیدن گام آتی ، در ربط با تحول کنونی ، تبدیل کردن مارکسیزم انقلابی به اصول ویژه است . این امر نشان از روحیه " فرقه‌گرایی " دارد ، زیرا مارکسیزم را چون راهنمای عمل و تئوری تحول در نظر نمی‌گیرد ، بلکه آنرا بدون توجه به نحوه توسعه جنبش کارگری ، جوانان اصول ویژه مطرح می‌سازد ، هر قدر این اصول ، انقلابی هم باشند ، باز روح فرقه‌گرایی وجود خواهد داشت . هرآینه ما اصول معین نظری را بدون توجه به نحوه و مرحله توسعه جنبش کارگری به اصول ویژه خود تبدیل نمائیم این خطری است که بخصوص ما را در مرحله کنونی انتقال از گروه‌بندی های سنتی به گروه‌بندی‌های نوین کارگری تهدید میکند .

بهمین جهت ، به رفقا دو پیشنهاد کردیم : اولاً " نشریه ای مختص " گرایش سوسیالیزم انقلابی " بوجود آوریم که در آن این گرایش به کار سیاسی - تشکیلاتی مستقل خود ادامه دهد . ثانیاً بولتن بحثی بوجود آوریم که در آن کلیه کسانی که بطور عملی از گروه‌بندی‌های سنتی بریده‌اند و سوی استراتژی انقلابی و استقرار در جنبش کارگری روی آورده‌اند ، شرکت نمایند . هدف از این مباحثات ایحاد هسته رهبری انقلابی برای متحد کردن کلیه گروه‌بندی‌های سوسیالیستی است .

بجز این تکرار همان فرقه‌گرایی‌ها - تکرار همان اشتباهات و تکرار همان شکست‌ها خواهد بود .

رفقای تحریریه در مقابل پیشنهادات فوق میگویند : ما خودمان را به سطح محفل ، گروه‌های ورشکسته بائین نمی‌آوریم . . . خط ما روشن و حرفهایمان صریح است . هرکس آنرا بپذیرد در بولتن برویش بازاست . .

ما رفقای هیئت تحریریه را به گفته های لنین درباره " ایسکرا " رجوع میدهیم و میخواهیم که به ما پاسخ مقتضی بدهند .

ج

آذرماه ۶۱

رفیق ج ، پاسخ "مقتضی" را در اطلاعیه‌ای که امضای خود را بر آن نهاده‌بود ، خواهد یافت (در همین شماره منتشر کرده‌ایم) . در سایر نوشته‌های نشریه نیز ما پاسخ اغلب سوالات او را داده‌ایم . بیش از آنکه به بحث بیشتری بپردازیم ، اما ، تنها یک سوالات داریم : آیا هنگامی که فردی مواضع اعلام‌شده خود را تغییر می‌دهد ، اولین وظیفه او توضیح دلایل این تغییر موضع نیست ؟

ه . ت .